



پایان نامه نویسی فقط اونجاش که کپی از word به هم می ریزه

فرهوغ زال

رفیق بی کلک یخچال

بیخچال جماعت نالوتی نیست. عند مرامه. تعریف از خود نباشد؛ دست خالی کسی رود نمی کنیم حالا هی شما ما رو به تلگرام تشبیه کن و یگو باز کردن در یخچال مثل وقتی هست که پروفایل ملت رو چک می کنی و می دونی هیچ چیزی توش نیست. ولی به جان یه دونه کشو فریزر بر فک زده ام که هر چی توش می گذارند دفن میشه و آخر ترم پیدا میشه قسم، که دست خالی ردتون نمی کنم. به این سوی چراغم کنه اگر در را ببندید خاموش میشه قسم که من نامحدودم؛ یعنی هر وقت شما یک درخواست آبکی داشته باشید من نامحدودم. این لا کردارها هم که حتی به بیت نفت نمی کنند برای آب کردن؛ یعنی هر ظرفی که بتوان سرش را بست، آب می کنند. از قوطی رب گوجه گرفته تا شیشه شیر! در هم که در نیست؛ شده در گاراز. کف و دیواره‌ها هم به قاعده‌ی کف آرایشگاه، مورخه و به مثابه زیر مخزن زیاله شهری، شیرابه. اما قسمت جالبش اینجاست که فاصله حرم خصوصی یک نفر با حلیم خصوصی نفر بعد یک قاشقه. یعنی به خودی خود نصف تحریم‌های حقوق بشر سازمان ملل به خاطر ما یخچال‌های خوابگاهست. با کلی فشار و مذاکره بین المللی قرار بر اتیکت ردن شده، اما وای به روزی که سه تا محمدی یوی تک اتاق باشند.

سلف سرویس / رنخنامه وسایل خوابگاهی

محمد امین میندیان



کامران یاری

ابداعاتشان بدون هزینه و خطر برای مسئولین، واردکنندگان و کم فروشان عزیزباشند تا مجبور نشوند مهاجرت کنند!

علی عموکافعی

بیانیه جمعی از صاحبان مشاغل مرتبط با تریاک

دو- آقایان! تریاک شوخی بردار نیست. ریزه کاری دارد. بسته‌بندی آن دقت و تمرکز بالا می‌خواهد. یک گرم ای نور آن ور بشود، یک زندگی اینور انور می‌شود! چه قتل و جنایت‌هایی که در این حرفه به خاطر نیم گرم اتفاق می‌افتد. مثل سخنرانی نیست که امروز یک حرفی زده شود فردا سخنگو بیاید بگوید منظور فلانی از فلان فلان نبوده بهمان بوده، آب از آب هم تکان نخورد. تریاک یک گرمش هم حساب کتاب دارد.

سه- چون روز واضح است که مطالعات کارشناسی کافی روی این طرح انجام ننداده‌اند. چرا که تریاک دولتی، تنها عاملی خواهد شد برای راه افتادن بازار سیاه و دترنخی شدن تریاک و جولان دلالتان. بعد از چندسال هم دوباره همین خود شما می‌افتید دنبال تصویب طرح تک‌نرخ کردن تریاک و مثل بزین و دلار دودش را مای بیچاره می‌خوریم.

چهار- دقت کنید که این طرح اگر شکست بخورد نمی‌توان خیلی راحت به حالت قبل برگشت چرا که زیرساخت‌ها و شبکه‌های مردمی ایجاد شده از بین رفته‌است و شکل‌گیری دوباره آن‌ها مستلزم صرف هزینه و زمان زیاد است. چرا که گاه پیش آمده برای اینکه یک نفر بتواند به‌عنوان ساقی در یک محله جایگزین شود چندین نسل از خانواده او به زندان افتاده، اعدام شده یا در رقابت با سایر توزیع کنندگان کشته شده‌اند. خودش هم چه شب‌ها که در انتظار مشتری در پارک خوابیده‌است و از دست سگ‌ها به این سو آن سو خزیده. حال اگر این عرصه خالی شود برای پر کردن دوباره آن باید مدت‌ها بگذرد و اینطور نیستت که یک نفر از فردا بشود ساقی محله و تمام. این مسئله با انتصاب آقا زاده‌های شما در مدیریت‌های مختلف فرق دارد.

یک- توزیع تریاک فوت و فن دارد، فرهنگ سازی می‌خواهد. نیاز به زیرساخت‌ها و شبکه سازی‌های گسترده در محلات و پارک‌ها و معابر عمومی دارد. همینجوری الکی نیست که شما اراده کنید از داخل اداره یک دکمه را بزنید بعد بیکهو به کل معنادان تریاک برسند. هرگونه اقدام برای توزیع تریاک بدون در نظر گرفتن این مهم موجب خواهد شد تا حوادثی مشابه آنچه در هنگام توزیع سید کالا رخ داد اتفاق بیفتد و بیعتنا با توجه به تحیف تر بودن جسم معنادان نسبت به مردم عادی حتما میزان مرگ و میر بالاتر خواهد بود

پنج- ما را اسیر گمرک و کاغذبازی‌های خودتان نکنید. بگذارید خودمان با اصولی که داریم تریاک را از زمین‌های کشاورزی افغانستان، دستچین شده، تر و تازه به دست مصرف کننده برسانیم.



کامران یاری

به دوران زیاندهی پراید خوش آمدید!

ساختمند. بی جنبه خیلی زود می‌چسبد کف ماشین! آن را جدا کنید که عبرت بقیه بشود.

۴- یاتاقان: من اهل ماشین نیستم نمی‌دانم هم‌یاتاقان چیست، ولی کلاسش روی مغزم است. این راهم بکنید بنده ازین دور.

۵- قفل و کلید: به‌جان خودم در پراید با لگد راحت‌تر باز می‌شود تا با کلید، اگر یک وقتی هم گیر داشت، می‌توانند کلید همسایه را قرض بگیرند.

۶- چراغ‌های جلو: در تحقیقات اخیر «رانندگی با پراید در شب، یکی از راه‌های خودکشی عنوان شده. در نتیجه آدم عاقل نیازی به چراغ پراید ندارد

۷- دنده: بالای صد کیلومتر بر ساعت که دیگر برگشتن ندارد، زیر چهل هم موتور گرم می‌کند، سه دنده را جدا کنید، سه دنده را هم بگذارید بماند، خدا بده برکت.

فرار مغزها با پراید!

در این متن قصد داریم که مهمترین دلایل مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج کشور را بررسی کنیم. البته دلایل کم اهمیت تری مانند نایس بودن مردم آن‌ور آب و لبخند زدن آن‌ها در خیابان (میراث آلبرتا- ۱۳۹۰) وجود دارد که در این متن به آن‌ها نمی‌پردازیم!

- متاسفانه در ایران دانشجویان دکترا حقوق دریافت نمی‌کنند. دانشجوی بخت برگشته تا بیاید دکترا را بگیرد، سی سالش شده‌است. تا شغل پیدا کند و بتواند یک پس‌اندازی برهم‌بزند، می‌شود سی و پنج ساله. تا بخواهد ازدواج کند و زندگی‌شان جابجفتند، به چهل سال رسیده‌است. تا بخواهد فرزندش جابجفتد، می‌شود چهل سال و نه ماهه! در نتیجه چندسال بعد، پدر و مادر با پدر بزرگ

به نام خدا صاحب‌منصبان و مسئولین محترم! سلام علیکم!

به دنبال طرح دولتی شدن تریاک در کشور، ما جمعی از معنادان، مصرف‌کنندگان حرفه‌ای، مصرف‌کنندگان تفریحی، مفت‌کش‌ها، خفت‌کش‌ها، سنتی‌کش‌ها، صنعتی‌کش‌ها، هم‌زمان سنتی و صنعتی‌کش‌ها، واردکنندگان، میکس‌کنندگان، آشپزخانه‌داران، مخبران، حمل‌کنندگان، عمده فروشان، خرده فروشان، ششیره کش‌خانه‌داران، سرنگ‌داران، سساقی‌ها اعم از موتوری، ماشینی و سایر صاحبان مشاغل مرتبط با تریاک، بیانیه زیر را صادر می‌کنیم.

امید است با عنایت به بندهای مهم این بیانیه، سریعاً اقدامات لازم را مبدول فرمایید. بر همگان واضح و آشکار است که تریاک خیلی مهم است. تریاک این ماده مقوی، غذای کامل جسم و روح، اگرچه ظاهری سیاه دارد، اما در پس این رنگ و بوی تلخ و ناخوش‌آیند، دنیایی است مشتئی.

فلذا از شما مسئولین و صاحب‌منصبان خواهشمندیم بنا به دلایل ذیل و ده‌ها علت ناگفته دیگر، هرچه زودتر از دولتی کردن این ماده منصرف شوید و همانطور که خودتان خوب بلدید، این طرح را از دستور کار خارج کنید.

توزیع تریاک فوت و فن دارد، فرهنگ سازی می‌خواهد. نیاز به زیرساخت‌ها و شبکه سازی‌های گسترده در محلات و پارک‌ها و معابر عمومی دارد. همینجوری الکی نیست که شما اراده کنید از داخل اداره یک دکمه را بزنید بعد بیکهو به کل معنادان تریاک برسند. هرگونه اقدام برای توزیع تریاک بدون در نظر گرفتن این مهم موجب خواهد شد تا حوادثی مشابه آنچه در هنگام توزیع سید کالا رخ داد اتفاق بیفتد و بیعتنا با توجه به تحیف تر بودن جسم معنادان نسبت به مردم عادی حتما میزان مرگ و میر بالاتر خواهد بود

فحش‌های همسایه‌داری

محمدحسین علیان

بفرمایید دم در بده: زودتر برو حوصله‌ت رو نذارم

به به! چشم‌مون به جمال‌تون روشن شد: هر کار می‌کنم ببینمت نمی‌شود.

به سلامتی دیشب مهمون داشتید؟: چه خبره انقدر سر و صدا می‌کنید؟ ذله‌مون کردید.

راستی این قضیه چیه همسایه‌ها می‌گن: (حرف شروع برای انگ زدن و متلک انداختن به همسایه)

راستی دیشب از واحدتون سر و صدا می‌اومد، به سلامتی مهمون داشتید؟: خجالت نمی‌کنی انقدر سر و صدا راه می‌اندازید.

فدای سرتون: بالا خسارت ما را بده.

کجا بیاید آقا نیستید: چشم‌مون به جمال‌تون روشن شد

منمون، شما به ما لطف دارید: هر چی که گفتی خودتی و هفت جد و آیات

ما شاء الله چه بچه پر جنب و جوشی دارید: روجکون بیچاره‌مون کرده، انقدر سر و صدا می‌کنه. خفه‌اش کنید دیگه.

میگن کویت ۱۵ دیپلمات ایرانی اخراج کرده ۲۰ درصد کاهش جمعیت داشته

محمد امیر حسینی

بوفه

داوود اتابکی

نیمرو تک و نیمرو دوپل بوفه را اگر دانشجوی باشید بعید است نخورده باشید. البته هر بوفه‌ای معمولاً به یک غذا و خوراکی خاص شناخته می‌شود. اما بوفه دانشگاه‌ها غیر از غذاهایشان یک شاخصه دیگر هم دارند؛ اینکه می‌شود آنجا نشست و خوردن یک نیمرو را انقدر کش داد تا همه حرف‌های عالم تمام بشود!

در ستون بوفه آزادراه هم دانشجویها نشستند و درباره اتفاقات مختلفی که در دنیا رخ داده حرف می‌زدند. بفرمایید نیمرو دوپل!

بررسی‌ها نشان می‌دهد در ده سال گذشته شاهد افزایش ۱۶۰ هکتاری بهشت زهراي تهران بوده‌ایم...

سینا دانشجوی ترم یک تاریخ: این حجم از افزایش مساحت قبرستان در طول ده سال طبیعی نیست و به احتمال زیاد عواملی چون بلایای طبیعی از قبیل سیل و زلزله، با عوامل انسانی مانند جنگ در گذشته‌ها و انسان‌هایی که در این قبرستان‌ها

نیمرو تک و نیمرو دوپل بوفه را اگر دانشجوی باشید بعید است نخورده باشید. البته هر بوفه‌ای معمولاً به یک غذا و خوراکی خاص شناخته می‌شود. اما بوفه دانشگاه‌ها غیر از غذاهایشان یک شاخصه دیگر هم دارند؛ اینکه می‌شود آنجا نشست و خوردن یک نیمرو را انقدر کش داد تا همه حرف‌های عالم تمام بشود!

در ستون بوفه آزادراه هم دانشجویها نشستند و درباره اتفاقات مختلفی که در دنیا رخ داده حرف می‌زدند. بفرمایید نیمرو دوپل!

بررسی‌ها نشان می‌دهد در ده سال گذشته شاهد افزایش ۱۶۰ هکتاری بهشت زهراي تهران بوده‌ایم...

سینا دانشجوی ترم یک تاریخ: این حجم از افزایش مساحت قبرستان در طول ده سال طبیعی نیست و به احتمال زیاد عواملی چون بلایای طبیعی از قبیل سیل و زلزله، با عوامل انسانی مانند جنگ در گذشته‌ها و انسان‌هایی که در این قبرستان‌ها

یه ضرب المثل معروفی هست که میگه: «مهری رو کی داده کی حبش رو کشیده؟!»

ناصر جوادی

پیرامون تغییر نظر بکهویی وزارت علوم

الان یا الان؟!

محمد رضا رضایی

امروز به دیدار یکی از مسئولین ارشد وزارت علوم آمده‌ایم تا مصاحبه‌ای پیرامون مسائل علمی و دانشگاهی با ایشان ترتیب دهیم.

سلام آقای مسئول قبل از هرچیز بفرمایید نظر کلی‌تون در مورد فضای دانشگاهی کشور چیه؟

فضای دانشگاهی کشور که خیلی خوبه، مخصوصاً دانشگاه آزاد که شرایطش عالی‌ه. یک رشته محل‌های خوبی داره این دانشگاه که بیا و ببین.

(خبر تغییرات دانشگاه آزاد از تلویزیون پخش می‌شود)

به نظرتون این دانشگاه مشکلی نداره اصلاً؟

در وزارت علوم هستن تدریس میشه. اونجا شأن دانشجوی ارشد زیر سوال بره مشکل نداره؟!؟

خوبه خودتون می‌گین که مدیریت اون دانشگاه‌ها دست مدیری وزارت علومه. به نظرتون یک مدیر وزارت علوم اجازه میده شأن دانشجویی دانشگاهش زیر سوال بره؟ معلومه که نه. ما حواسمون به این چیزها هست آقا جان!

یعنی شما شائبه سیاسی بودن این تصمیم بکهویی رو رد می‌کنید؟

+ سیاسی؟ سیاست اصلاً چی هست؟! نزنین این حرف رو. تهمته ارشد امکانات ویژه‌ای می‌خواد که این

وقتی حافظ میگه: «گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم چون سخت بود در دل سنگش اثر نکرده» احساس می‌کنم‌ظاهراون بزرگوارم‌نمره گرفتن‌استادموفق نبوده!

محمد رسول نوروزی

دو بیت خبر

محمد رسول نوروزی

وقتی حافظ میگه:

«گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم چون سخت بود در دل سنگش اثر نکرده»

احساس می‌کنم‌ظاهراون بزرگوارم‌نمره گرفتن‌استادموفق نبوده!

محمد رسول نوروزی

فرار مغزها

مصطفی صاحبی

از سعی و تلاش خود فراتر رفتند تا این که به قله‌های کشور رفتند سرگرم زبان و پاچه بودیم همه گفتند که مغزهایمان در رفتند

افزایش وسعت بهشت زهراي تهران

ملیحه خوشحال

تا که افزایش دهد آمار مرگ و میر را زود راهی می‌کند آن‌جا جوان و پیر را کرده عزرائیل قبرستانمان را فول فول پس سریعاً حل کنید از کار او این گیر را

تصویب جریمه برای سرقت علمی

افشار جابری

امروزه «نوشته» بیمه دارد، تکنید هر بازی خوش، دو نیمه دارد، تکنید از جزوه‌ی من، مقاله‌ام، کانالم هرگونه کپی جریمه دارد، تکنید

پایین آمدن نرخ زاد و ولد

زهرا آراسته‌نیا

من ساکن باکلاس سیتی هستم از جمله مجردان گیتی هستم با بچه مخالف و هوادار سگم یک خرده شلیف سلبریتی هستم

می‌تونم ازتون طلاق بگیرم؟

این کلمه «اناث» را نمی‌دانم. با خودم گفتم از معلولیت و بیماری گرفته تا تحصیلات و کمالات هر معنی‌ای بدهد، ماشا... من در خودم دارم. البته یک نقص پرورنده هم داشتم. پدرم متوفی نبود. اگر هم بود، بیمه نداشت که مستمری بگیرد. تازه وقتی معنی کلمه «اناث» را فهمیدم، دیدم خودم هم بدون عمل جراحی تغییر جنسیت، شرایطش را ندارم. قبل از نامیدنی کامل، به‌فکر مرگ رسیدم، ازدواج با به ملکوت اعلی، شغل بهتری است، وقت آزاد هم برای می‌ماند که اگر لازم شد دو شغله بشوم! ارشد هم ثبت نام می‌کنم تا از تسهیلات ازدواج دانشجویی استفاده کنم، من‌شاء... طلاق راه هم همان دانشجویی می‌گیریم، بدون هزینه و مهریه! سیراغ پدر رفتم تا حالا که بیمه نیست و نتوانسته ما را دختر به‌عمل آورد حداقل مورد ازدواج مناسب برام پیدا کند. هنوز حرف‌هایم تمام نشده بود، فریاد زد: خانوم می‌گفتی پدر مرحومت کارمند بود؟



این می‌فشدیان